

فیدل کاسترو

برگردان: انوشه کیوان پناه

تأملات فیدل در باره اظهارات اوباما سیاست های ریاکارانه امپراطوری



ناصادقانه خواهد بود اگر من بعد از شنیدن سخنرانی اوباما در بعد از ظهر ۲۳ ماه مه در «بنیاد ملی آمریکایی-کوبایی» که بدست رونالد ریگان تأسیس شد، ساکت بمانم. من به سخنرانی او گوش دادم، همانطور که سخنرانی مک کین و بوش را شنیدم. من از او متنفر نیستم، زیرا او مسئول جنایاتی نیست که علیه کوبا و بشریت اعمال شده است. من اگر از او دفاع کنم، لطف زیادی به مخالفان او خواهد بود. در نتیجه، من در انتقاد از او و بیان بی پرده نقطه نظراتم پیرامون سخنان او، کمترین تعللی به خود راه نمی دهم .

اظهارات اوباما چه بود؟

او خطاب به کسانی که خواهان الحاق کوبا به ایالات متحده هستند گفت « در طول زندگی من، بیعدالتی و سرکوب بر کوبا حاکم بوده است. مردم کوبا، در طول زندگی من، هرگز طعم آزادی را نچشیده اند. مردم کوبا، در طول حیات دو نسل، هرگز دموکراسی را تجربه نکرده اند. (...) وضع کنونی، وضعیت دهشتناک و تراژیکی است

که نیم قرن است در برابر ماست- با انتخاباتی که می تواند هر نامی به آن داد مگر آزاد و منصفانه (...). من این بیعدالتی را تحمل نخواهم کرد، شما این بیعدالتی را تحمل نخواهید کرد، و ما با هم برای آزادی در کوبا بپا خواهیم خاست»، و افزود «وقت آن است که اجازه دهیم پول آمریکایی های کوبایی-تبار خانواده های آنها را کمتر به رژیم کوبا وابسته کند. (...). من به تحریم و محاصره اقتصادی کوبا ادامه خواهم داد.»

محتوای این اظهارات این نامزد نیرومند برای ریاست جمهوری ایالات متحده مرا از نیاز به توضیح دلیل این نوشته معاف می کند.

خوزه هرناندز، یکی از روسای بنیاد ملی آمریکایی-کوبایی که اواما در سخنرانی خود او را می ستاید، کسی بجز صاحب همان تفنگ اوتوماتیک کالیبر-۵۰، مجهز به تلسکوپ و اشعه ماوراء سرخ نیست که تصادفاً همراه با دیگر سلاح های مرگبار در حال انتقال به ونزوئلا از طریق دریا، [از او] ضبط و مصادره شد. بنیاد نقشه داشت نویسنده این سطور را در نشست بین المللی پیرامون مارگریتا، که در ایالت نیوا اسپارتا در ونزوئلا برگزار شده بود، ترور کند .

گروه پپه هرناندز، که باند ماس کنوسا- کسی که با تقلب در سال ۲۰۰۰ توانسته بود پیروزی انتخاباتی بوش را تامین کند- به آنها خیانت کرده، می خواست اتحاد خود با کلینتون را تجدید کند، زیرا گروه ماس کنوسا قولی داده بود که همه آنها با خوشحالی آن را قبول کرده بودند: قول اینکه کاسترو را ترور کند. اینها از آن دست کلک های سیاسی است که در ذات نظام پوسیده و پر از تضاد ایالت متحده است.

سخنرانی اواما، نامزد ریاست جمهوری آمریکا را می تواند بشکل زیر فرموله نمود: گرسنگی برای ملت، ارسال پول [کوبایی ها مقیم آمریکا برای خانواده شان در کوبا] بعنوان صدقه، و سفر به کوبا برای تبلیغ مصرف گرایی و به دنبال آن یک شیوه زندگی ناپایدار.

او چگونه می خواهد به مشکل بسیار جدی بحران غذایی برخورد کند؟ غلات جهان باید میان انسانها، موجودات و ماهی ها تقسیم شود، مقدار ماهی دریاها که با کشتی

های ماهیگیری بزرگی که هیچ سازمان بین المللی نتوانسته مانع فعالیت آنها شود مورد بهره برداری بیش از حد قرار دارند، هر سال کوچک تر و نایاب تر می شود. تولید گوشت از گاز و نفت کار آسانی نیست. حتی اوباما هم که بیشتر از بوش به خطرات و محدودیت زمانی برای عمل آگاه است، به پتانسیل تکنولوژی در مبارزه با تغییرت جوی بیش از حد بها می دهد. او می تواند با گور Gore، که دموکرات است و دیگر نامزد انتخابات نیست مشورت کند، زیرا او [Gore] از سرعت شتابنده ای که گرمایش جهانی پیش می رود آگاه است. بیل کلینتون، بزرگ ترین رقیب سیاسی او که در انتخابات ریاست جمهور شرکت ندارد، اما کارشناس حقوق فرا-کشوری مانند قوانین هلمز-برتون Helms-Burton و توریسلی Torricelli Acts است، می تواند در باره موضوعاتی مانند محاصره اقتصادی که قول برداشتن آن را داد ولی به قول خود عمل نکرد، به او نصیحت کند .

این شخص که بدون تردید، از نقطه نظر اجتماعی و انسانی، مترقی ترین نامزد ریاست جمهوری ایالات متحده است در سخنرانی خود در میامی چه گفت؟ او گفت: «بمدت دویست سال ایالات متحده این را روشن کرده است که دخالت خارجی در نیمکره ما را تحمل نخواهد کرد. اما هر روز، در سرتاسر قاره آمریکا، مبارزه متفاوتی در جریان است-نه علیه ارتش های خارجی، بلکه علیه خطر مرگبار گرسنگی، تشنگی، بیماری و یاس. این آینده ای نیست که مورد قبول ما باشد-نه برای یک کودک در «پورت دو پرنس»، نه برای خانواده ای در بلندی های پرو. ما می توانیم بهتر عمل کنیم. ما باید بهتر عمل کنیم. (...) ما نمی توانیم مصائب در جنوب خود را نادیده بگیریم، نمی توانیم جهانی سازی معاهده های خالی را تحمل کنیم.» توصیف باشکوهی از جهانی سازی امپریالیستی: جهانی سازی معده های خالی! ما باید برای این از او تشکر کنیم. اما ۲۰۰ سال پیش، «بولیوار» برای اتحاد آمریکای لاتین نبرد کرد، و بیش از ۱۰۰ سال پیش، «مارتی» جان خود را در مبارزه علیه الحاق کوبا به ایالات متحده فدا کرد. چه فرقی بین آنچه مونروئه Monroe اعلام کرد و آنچه اوباما دویست سال بعد احیا و اعلام می کند، وجود دارد؟

«من در کاخ سفیدم نماینده ویژه ای را برای قاره آمریکا منصوب خواهیم کرد، که با حمایت کامل من کار خواهد کرد. اما ما وزارت امور خارجه را نیز گسترش خواهیم داد، در مناطقی در قاره آمریکا که مورد غفلت واقع شده اند، کنسولگری های بیشتری باز خواهیم کرد. ما گروه صلح را گسترش خواهیم داد و از جوانان آمریکایی خواهیم خواست برای گسترش اعتماد و روابط میان مردم ما به خارج بروند.» او قبل از پایان سخنرانی خود افزود «ما، مشترکاً می توانیم آینده را بر گذشته ترجیح دهیم.»

چه عبارت زیبایی، زیرا گواه بر این ایده ، یا حداقل بر این ترس است، که تاریخ چهره ها را می سازد و نه بر عکس .

در حال حاضر، ایالات متحده ذره ای از روحیه حاکم بر اصول اعلامیه فیلادلفیا- که از طرف ۱۳ مستعمره ای که علیه استعمار انگلیس قیام کرده بودند اعلام شد- را ندارد. در حال حاضر، آنها امپراطوری غول پیکری هستند که بنیانگذاران کشور در آنزمان تصور آنها هم نمی کردند. با این وجود، قرار نبود برای بومیان و بردگان چیزی تغییر کند. بومیان با گسترش ملت، ریشه کن شدند؛ بردگان-مرد، زن و کودک- بمدت نزدیک به یک قرن، علیرغم اینکه به گفته اعلامیه فیلادلفیا «همه انسانها آزاد و برابر زاده می شوند» در بازار به حراج گذاشته شدند. شرایط عینی جهان بسود رشد آن نظام بود.

اوباما در سخنرانی خود انقلاب کوبا را غیر-دموکراتیک و فاقد احترام به آزادی و حقوق بشر ترسیم کرد. این دقیقاً همان ادعایی است که دولت های ایالات متحده، بدون استثنا، یکی بعد از دیگری برای توجیه جنایات خود علیه کشور ما عنوان کرده اند. محاصره اقتصادی، در خود و برای خود، یک عمل نسل کشی است. من نمی خواهم ببینم که این ارزشهای شرم آور در مغز کودکان ایالات متحده کاشته شود.

انقلاب مسلحانه در کشور ما، بدون مداخلات نظامی، «متمم پلات» Platt Amendment و استعمار اقتصادی که بر کوبا تحمیل می شد، می توانست لازم نباشد.

انقلاب [ما] نتیجه سلطه امپریالیستی بود. ما را نمی توان به تحمیل آن به کشور متهم کرد. تغییرات واقعی می تواند و باید در ایالات متحده صورت گیرد. کارگران خود آن، بیش از یک قرن پیش، خواست شیفت هشت ساعت کار را، که ناشی از رشد نیروهای مولده بود، مطرح کردند.

اولین چیزی که رهبران انقلاب کوبا از مارتی آموختند این بود که به سازمانی که برای اهداف انجام یک انقلاب تشکیل شده است باور داشته باشند و به نمایندگی از طرف آن عمل کنند. ما همیشه به اشکال پیشین قدرت پای بند بوده ایم، و در نتیجه نهادینه شدن این سازمان، ما با رای بیش از ۹۰ درصد رای دهندگان انتخاب می شویم، چیزی که در کوبا عادی شده است، روندی که با سطوح مسخره مشارکت انتخاباتی، که در موارد بسیار، مانند مورد ایالات متحده، کمتر از ۵۰ درصد رای دهندگان را در بر می گیرد، کمترین شباهتی ندارد. هیچ کشور کوچک و تحت محاصره ای مانند کشور ما نتوانسته است بر اساس جاه طلبی، نخوت، فریب یا سوء استفاده از قدرت، نوع قدرتی که همسایگان آن دارند، مقاومت کند. خلاف این گفتن، توهین به ذکاوت مردم قهرمان ماست.

من ذکاوت سرشار اوباما، مهارت او در بحث یا اخلاق کار او را زیر سوال نمی برم. او سخنران متبحری است و در مسابقه انتخاباتی از رقبای خود جلو تر است. من با همسر و دختران خردسال او، که او را همراهی می کنند و هر سه شنبه او را تشویق می کنند، همدردی (سمپاتی) احساس می کنم. این در واقع صحنه انسانی تحت تاثیر قرار دهنده ای است. با این وجود، من موظف تعدادی پرسش ظریف را مطرح کنم. من انتظار جواب ندارم؛ فقط می خواهم برای ثبت شدن آنها را مطرح کنم.

آیا این درست است که رئیس جمهور ایالات متحده دستور ترور کسی را در جهان، به هر بهانه ای باشد، صادر کند؟

آیا این اخلاقی است که رئیس جمهور ایالات متحده دستور شکنجه دیگر افراد بشر را صادر کند؟

آیا تروریسم دولتی باید از جانب کشور قدرتمندی مثل ایالات متحده بعنوان ابزاری برای آوردن صلح به کره زمین بکار گرفته شود؟

آیا قانونی که [قانون هلمز-برتون، جهت محاصره اقتصادی کوبا] برای تنبیه تنها یک کشور-کوبا-اجرا می شود، برای اینکه آن را بی ثبات کند، خوب و شرافتمندانه است، حتی اگر به قیمت از دست رفتن جان کودکان بیگناه و مادران آنها تمام بشود؟ اگر خوب است، چرا بطور اتوماتیک برای مردم هاییتی، دومینکن و دیگر خلقهای کارائیب خوب نیست، و چرا همان قانون در مورد مکزیکی ها و مردم آمریکای مرکزی و جنوبی، که مانند مگس در دیوار مرزی با مکزیکی یا در آبهای اطلس و آرام به هلاکت می رسند اعمال نمی شود؟

آیا ایالات متحده می تواند بدون مهاجرینی که سبزیجات، میوه ها و دیگر خوردنی ها خوشمزه را برای شهروندان ایالات متحده پرورش می دهند، زندگی کند؟ چه کسانی خیابانهای آنها را جارو خواهند کرد، بعنوان پیشخدمت در خانه های آنها کار خواهند کرد یا بدترین کارها را با پایین ترین دستمزدها انجام خواهند داد؟

آیا تعقیب و پیگرد سکنه غیر-قانونی منصفانه است، حتی موقعی که بر کودکانی که در ایالات متحده بدنیا آمده اند تاثیر می گذارد؟

آیا فرار مغزها و سرقت مداوم بهترین مغزهای علمی و روشنفکری از کشورهای محروم، اخلاقی و قابل توجیه است؟

شما، همانطور که من در آغاز این نوشته خاطر نشان ساختم، می گوئید که کشور شما از قدیم به قدرتهای اروپایی هشدار داده بود که هیچگونه مداخله ای در نیمکره را تحمل نخواهد کرد، تکرار می کنید که به این حق باید احترام گذاشته شود، در حالیکه این حق را برای خود قائلید که با کمک صدها پایگاه نظامی و دریایی، و نیروهای هوایی و زمینی که در سراسر کره زمین پراکنده است، در هر کجای دنیا

مداخله کنید. من می پرسم: آیا این شیوه ای است که ایالات متحده احترام خود را به آزادی، دموکراسی و حقوق بشر نشان می دهد؟

آیا منصفانه است که علیه بیش از ۶۰ گوشه تاریک دنیا-اصطلاحی که بوش بکار می برد- دست به حملات پیشگیرانه زده شود؟

آیا شرافتمندانه و عاقلانه است که برای تولید سلاح هایی که می تواند چندین بار به حیات بر روی زمین پایان دهد، میلیونها میلیون دلار در مجتمع های نظامی-صنعتی سرمایه گذاری شود؟

قبل از قضاوت در باره کشور ما، شما باید بدانید که کوبا با برنامه های آموزشی، بهداشتی، ورزشی، فرهنگی و علمی، که نه تنها در قلمرو خود بلکه در دیگر کشورهای فقیر و محروم در گوشه و کنار جهان به اجرا گذاشته است، و خون هایی که طی این اقدامات همبستگی با دیگر خلقها داده است-علیرغم محاصره مالی و تجاوزگری کشور قدرتمند شما- شاهی است بر اینکه با امکانات کم خیلی کارها می توان انجام داد. حتی نزدیک ترین متحد ما، یعنی اتحاد شوروی، نتوانست به آنچه ما رسیده ایم دست یابد.

تنها شکل همکاری که ایالات متحده می تواند به دیگر ملت ها پیشنهاد کند از اعزام مستشاران نظامی به آن کشورها تشکیل می شود. ایالات متحده چیز دیگری نمی تواند پیشنهاد کند، زیرا فاقد تعداد کافی از انسانهایی است که آماده باشند خود را برای دیگران فدا کنند و به یک کشور محتاج کمک اساسی کنند (گرچه کوبا با همکاری عالی پزشکان ایالات متحده آشناست و روی آن حساب کرده است). آمریکایی ها را به این خاطر نباید سرزنش کرد، زیرا جامعه در مقیاس گسترده چنین ارزش هایی را در مغز آنها قرار نمی دهد .

ما هرگز همکاری با دیگر کشورها را تابع ضروریات ایدئولوژیک نکرده ایم. ما موقعی که توفان دریایی کاترینا شهر نئواورلئان را زیر ضربه گرفت به ایالات متحده پیشنهاد کمک کردیم. بریگاد انترناسیونالیستی پزشکی ما نام پرافتخار «هنری ریو Henry»

Reeve را بر خود دارد، نام جوانی را که در ایالات متحده بدنیا آمد، و در جنگ اول ما برای استقلال، برای حق حاکمیت کوبا جنگید و کشته شد .

انقلاب ما می تواند ده ها هزار پزشک و تکنسین بهداشتی را بسیج نماید. انقلاب ما می تواند شمار بسیاری آموزگار و شهروند را بسیج کند ، که آماده سفر به هر نقطه جهان برای انجام هر هدف شریفی هستند و نمی خواهند حقوق خلقها را غصب کرده یا مالک مواد خام آنها شوند.

حسن نیت و اراده خلق منابع نامحدودی را تشکیل می دهند که در صندوق یک بانک نمی گنجد و نمی توان آن را در آن گذاشت. حسن نیت و اراده خلق نمی تواند از سیاست های ریاکارانه یک امپراطوری بیرون بزند .

فیدل کاسترو روز

25 ماه مه ۲۰۰۸

10 و ۳۵ دقیقه بعد از ظهر

منبع: گرانما